درنگ

میانسالی، اوج احساس نارضایتی؟

تقریبا هیچ فردی نیست که دائم خوشحال باشد و ناراحتی برای اکثر افراد، تجربه‌ای معمول است، اما با توجه به بررسی‌های جدید، به نظر می‌رسد که سن، عاملی است که تأثیر بسزایی در ناراحتی و غمگینی دارد.

به نقل از سایکولوژی نیوز، بسیاری از افراد، کودکی را دوران شادی و میانسالی که با اصطلاح «بحران میانسالی» شناخته می‌شود را دوران سختی می‌دانند و فرد در این دوران احساس می‌کند به نیمه راه رسیده و فرصت حضورش در این دنیا رو به پایان است. معمولا این دوره با اضطراب و افسردگی همراه است و اگر فرد نتواند در گذشته‌اش دستاوردی رضایت‌بخش بیابد، با ناامیدی و سرگشتگی مواجه می‌شود.

با این حال، هنوز مشخص نیست که افزایش ناراحتی مرتبط با سن، تنها گزارش‌های فردی است یا پدیده‌ای عمومی که در بیشتر کشورهای مختلف مشاهده می‌شود.

در یک تحقیق، اطلاعات مرتبط با بیش از ۱۴ میلیون شرکت‌کننده در بیش از ۴۰ کشور مختلف مورد بررسی قرار گرفته و شرکت‌کنندگان به سؤالات مرتبط با موضوعات مربوط با ناراحتی و نارضایتی پاسخ داده‌اند که نتایج بررسی نشان داد، در سراسر اروپا و ایالات متحده، ناراحتی در اواخر دهه چهل، به‌ویژه در ۴۹ سالگی به اوج خود می‌رسد. به‌طورکلی، ناراحتی در طول عمر، منحنی تپه‌ای شکل را دنبال می‌کند. بنابراین، این منحنی با ناراحتی اندک دوران کودکی آغاز و تا سن ۴۹ سالگی به اوج می‌رسد و بعد از آن، ناراحتی کاهش می‌یابد و افراد مسن، به طور متوسط، از افراد ۴۹ ساله اطراف‌شان احساس نارضایتی کمتری دارند.

نتایج این بررسی، به‌شدت، از وجود «بحران میانسالی» به‌عنوان یک پدیده عمومی در کشورهای مختلف حمایت می‌کند.

محقق این تحقیق سه نظریه متفاوت برای کاهش احساس نارضایتی بعد از ۴۹ سالگی ارائه کرده است.

اول اینکه، افراد ممکن است بعد از ۴۹ سالگی از تحقق آرزوهای غیرممکن منصرف شوند و به اهداف واقع‌بینانه بسنده کنند که ممکن است در کاهش نارضایتی مؤثر باشد.

دوم اینکه، افراد با نارضایتی کمتر، ممکن است، عمر طولانی‌تری داشته باشند و این موضوع منجر به کاهش نارضایتی در سنین پیری خواهد شد.

سوم اینکه، ممکن است اثر متقابل داشته باشد و به دلیل سلامت خود در مقابل همسالان بیمار شکرگذاری کنند و نارضایتی خود را کاهش دهند.

حاصل این ۴۰ سال چه بود؟

در همین ارتباط، فرید براتی به عنوان روانشناس معتقد است: بحران میانسالی به یک معنا، طبق نظریه پردازی‌هایی که در گذشته انجام شده، مبنای علمی دارد؛ با نگاه به منابع علمی می‌بینیم که یونگ، روانشناس مشهور و صاحب نظر، نخستین کسی بود که درباره بحران میانسالی صحبت کرد و گفت افراد در آستانه دهه چهارم زندگی‌شان یعنی در آستانه چهل تا پنجاه سالگی، دچار بحرانی معنوی می‌شوند و از خودشان می‌پرسند حاصل این ۴۰ سال گذشته چه بوده؟ چه شده؟ من کجا هستم؟ و ممکن است تجدید نظری در مورد جنبه‌های زندگی برایشان پیش بیاید یا نگاهشان به زندگی و فلسفه زندگی عوض شود. یونگ بروز چنین امری را بحران میانسالی نامید. اما مراد از بحران در این عبارت، معنای دقیق بحران نیست و بیشتر دلالت دارد بر رسیدن به سطح بالاتری از «شناخت». این موضوع مورد تایید مطالعات علمی قرارگرفته و در اینجا کاری به مقوله بحرانی بودن یا نبودن آن نداریم اما این یک یافته علمی است که افراد از ۴۰ سال به بالا هم به لحاظ اینکه قوای شناختی و عقلانی‌شان براثر تجربیات زندگی گسترش پیدا کرده، وارد تراز بالاتری از قوای شناختی و عقلانی می‌شوند و این دقیقا چیزی است که در اشعار چهل سالگی شاملو هم هست که می‌گوید «من آن مفهوم مجرد را جسته‌ام». آن مفهوم مجردی که شاعر می‌گوید همین بحران میانسالی به نظرمی‌رسد.

این روانشناس در ادامه تأکید می‌کند: یونگ به بحث‌های معنوی خاصه با نگاه‌های غربی و شرقی بسیار علاقه‌مند بود. روانشناسان معتقدند این تغییر دیدگاه، تغییر ایده یا در حقیقت تغییر فلسفه زندگی برای فرد پیش می‌آید و لزوما با بحران همراه نیست. چراکه وقتی ما از بحران حرف می‌زنیم حدی از تنش و فشار مطرح می‌شود ولی در باطن امر ممکن است این طور نباشد و آن تغییرنگاه روی بدهد. بنابراین بسیاری از روانشناسان اعتقادی ندارند که این پدیده بحران است. اما شواهد علمی تایید کرده که در چهل تا چهل و پنج سالگی و حداکثر تا پنجاه سالگی این تراز بالاتر است. اریکسون در نظریه رشد می‌گوید در دهه پنجم رشد روانی و اجتماعی، صمیمیت و زایندگی به میان می‌آید که دقیقا با همین سن متناسب است و درواقع منظور همان تراز بالاتر است. این روانکاو مشهور در نظریه رشد، تکلیف انسانی را که دچار بحران میانسالی می‌شود صمیمیت و زایندگی می‌داند؛ صمیمیت به معنای نگاه به زندگی مشترک با دیگران (مثلا با همسر، خانواده و همکاران) و زایندگی هم به معنای اینکه این عمر چه دستاوردی برای نسل‌های بعدی من داشته است. لزوما بحران به معنای تنش و اضطراب و فشار نیست. البته یونگ می‌گوید اگر فرد نتواند این بحران را به سلامت پشت سر بگذارد، ممکن است دچار تنش و اضطراب بشود. بنابر آنچه یونگ می‌گوید ما باید به پیامد آن هم نگاه کنیم؛ یعنی اگر نتوانیم این بحران را از جنبه مورد علاقه یونگ، جنبه عقلانی برای خودمان حل کنیم، منجر به اضطراب و تنش می‌شود. به این معنا از نظر یونگ یک بحران است.

براتی خاطرنشان می‌کند: همه ما در مرحله آخر زندگی، که پس از ۵۰ سالگی است، نتیجه می‌گیریم که آیا زندگی خوبی داشتیم یا نه؟ ممکن است با پاسخ‌هایی که به خودمان می‌دهیم ناامید و دچار تنش‌ها و اضطراب‌هایی شویم. این اضطراب وجودی در مرگ و در نحوه برخورد شخص با مرگ هم مهم است. اگر بخواهیم بحث روانشناس‌ها را جمع‌بندی کنیم این می‌شود که در ۴۰ سالگی تا انتهای عمر، گویی انسان به کیفیت‌های تجردی‌تر و انتزاعی‌تر نگاه می‌کند، به دستاوردهایش برای نسل‌های بعدی و برای بشریت و به ارتباط خودش با هستی می‌پردازد. این‌ها مسائلی است که از ۴۰ سالگی به بعد می‌شود به آن‌ها فکر کرد. می‌شود گفت چون انسان احساس می‌کند از جوانی فاصله گرفته و به مرگ نزدیک‌تر شده، جاودانگی برایش مسئله می‌شود و درنتیجه فکر می‌کند که دستاوردهایش در زندگی چه بوده؟ بله از طرفی هم می‌داند که می‌میرد؛ می‌داند که رفتنی است، می‌داند که مرگ برگشت‌پذیر نیست و آن مؤلفه‌های چندگانه مرگ را، که یکی از آن‌ها برگشت‌ناپذیری و یکی دیگرش کنش‌ناپذیری و غیره است، در نظر می‌گیرد. می‌داند که دیگر به عقب برنمی‌گردد؛ بنابراین به دستاوردها، به جنبه‌هایی از زندگی‌اش، که چه چیزی برایم داشت و در آن چه کار کردم، به خانواده‌اش، به فرزندانش، به خودش، به محصول زندگی‌اش می‌پردازد. این مسائل برای او مهم می‌شود و پاسخ دادن به آن‌ها دغدغه اساسی‌اش.

وقتی موضوعی به اهمیت بحران خاک مغفول می‌ماند

فرسایش خاک، چالشی با عواقب بزرگ

گروه اجتماعی- حسن طباطبایی

فرسایش خاک درکشورمان ماجرایی بی‌پایان و پرآب چشم است، ماجرایی که سریع و موذیانه هرروز اتفاق می‌افتد ولی کمتر کسی است که حتی به خاک زیر پایش نگاه بیندازد و به نابودی این بسترحیات فکر کند. سالانه بین دو تا چهار میلیارد تن فرسایش خاک در کشور رخ می‌دهد و این میزان در سال‌های اخیر به دلیل وقوع سیلاب‌ها افزایش یافته است.

خسارت مستقیم و غیرمستقیم این فرسایش، ۲۸۰ دلار به ازای هرتن خاک برآورد شده و علیرغم اهمیت و تأثیر فرسایش خاک برمحیط زیست و حیات انسان‌ها، این موضوع جزو اولویت‌ها نیست. بنابراین فقط خشک‌سالی کشور را تهدید نمی‌کند، بلکه از دست رفتن خاک حاصلخیز عامل دیگر نابودی زندگی و حیات است.

طرفداران محیط زیست ممکن است واکنش سراسری و پرشوری نسبت به موضوعاتی مثل کمبود آب یا قطع درختان و سدسازی داشته باشند، اما فاجعه بارترین گزارش‌های مربوط به فرسایش خاک؛ گوشه چشمی از کسی ترنمی‌کند. اگرچه بسیاری از دانشمندان سال‌هاست که بر اهمیت خاک حاصلخیز تأکید کرده و برای مهار این روند انقراض و فرسایشی خاک هشدار داده و راهکار ارائه کرده‌اند، اما حتی در مجامع بین‌المللی زیست محیطی نیز توجه و بودجه کافی برای مهار این پروسه و احیای خاک اختصاص داده نشده است.

پژوهشگران می‌گویند فرسایش خاک می‌تواند به بزرگ‌ترین بحران محیط زیست تبدیل شود. فرسایش یعنی خاک آنقدر تخریب می‌شود که حاصلخیزی‌اش از بین می‌رود. گیاه که نروید، به میزان زمین‌های بیابانی اضافه می‌شود و ایرانی که بخش زیادی از مساحتش خشک است، با فضای ناملایم‌تری از تخریب محیط زیست روبه‌رو خواهد شد.

فرسایش خاک را «مرگ خاموش طبیعت» نیز لقب داده‌اند. بی‌صدا و آرام لایه‌ای از زمین که می‌تواند زندگی بخش باشد، فرسوده می‌شود و حالا سال‌هاست خاک کشور حفاظ خود را ازدست داده و درمواقع ریزش باران‌های سیل‌آسا شسته شده و به‌شدت آسیب‌پذیر است.

فرسایش بسیار حاد و فراتر از بحران در زاگرس مرکزی

سهند غفاری، استاد دانشگاه در رشته خاک‌شناسی با تأکید بر این که سیلاب‌ها معمولا آزمون جامعی از مدیریت آب و خاک و منابع طبیعی هستند، می‌گوید: «متأسفانه در این سال‌ها مانتوانستیم آب و خاک را مدیریت کنیم و درنتیجه، به هنگام وقوع سیلاب‌های شدید، باسیلی گل‌آلود مواجهیم زیرا توجهی به آبخیزداری نداشتیم و به همین دلیل در مواقع بارش‌های سیل‌آسا، حاصلخیزی خاک کشور از بین می‌رود.»

آبخیزداری شامل مدیریت اکوسیستم‌های طبیعی و منابع آب‌های زیرزمینی و سطحی است. کارشناسان معتقدند با اجرای پروژه‌های آبخیزداری، علاوه بر افزایش سطح سفره‌های زیرزمینی، می‌توان فرسایش خاک را کنترل کرد. فرسایش خاک فرآیندی منفی و غیرطبیعی است که در مناطق خشک، نیمه خشک و مناطق سیلاب‌زده رخ می‌دهد و منجر به ازدست رفته حاصلخیزی خاک می‌شود. کارشناسان معتقدند که فرسایش و از بین رفتن بیش از حد خاک در ایران باعث ایجاد گل‌ولای شدید بعد از سیلاب‌ها می‌شود.

این استاد خاک‌شناسی با اشاره به آمار فرسایش خاک در ایران و جهان می‌گوید: «سالانه در حدود ۲۴ میلیارد تن خاک در جهان فرسایش می‌یابد و در کشور ما این رقم حدود دو میلیارد تن در سال است. بنابراین، هشت درصد از فرسایش خاک در جهان از آن کشور ما است، درصورتی که یک درصد از وسعت جهان را داریم.»

دخالت‌های بی‌مورد در عرصه منابع طبیعی و محیط زیست، تجاوز، تخریب و تبدیل اراضی، شخم‌زدن‌های بی‌حد، واگذاری غیرفنی، غیرکارشناسی و غیرعلمی تمامی عواملی هستند که خاک را در معرض نابودی قرار داده‌اند.

به گفته غفاری، در زاگرس مرکزی و زاگرس مرتفع این فرسایش بسیار حاد و فراتر از بحران است: «یعنی در هرهکتار بین ۲۴ تا ۴۰ تن خاک سالانه در این مناطق فرسایش پیدا می‌کند که زنگ خطری جدی به شمار می‌رود. این در حالی است که اگر ما مدیریت صحیحی در زمینه آبخیزداری و حفاظت از خاک داشتیم، سیلاب‌ها نمی‌توانستند حجم وسیعی از خاک را با خودشان جابجا کنند و از بین ببرند. خاکی که در کشور ما ۸۰۰ سال طول می‌کشد تا یک سانتی‌متر از آن ساخته شود، به رسوباتی که حاصلخیز نیستند و در عوض پشت سدها جمع‌شده و باعث کاهش عمر مفید آن‌ها شده، تبدیل می‌شوند.»

یک کارشناس محیط زیست نیز می‌گوید: «در زمینه بهره‌برداری و حفاظت از خاک قوانینی وجود دارد، اما عمل به آن را شاهد نبوده‌ایم؛ مثلا قوانین حفاظت از خاک مشخص می‌کند چه تعداد دام باید وارد مراتع شوند یا چه ممیزی انجام شود. برخی گونه‌ها حتی نباید وارد مراتع شوند.»

مطابق تأکیدات این کارشناس محیط زیست، هم در شمال کشور و هم در اراضی زاگرس مرکزی و حتی در کویر دام مازاد به شکل گسترده‌ای در مراتع دیده می‌شود و هیچ توجهی به قوانین حفاظت از خاک نمی‌شود: «دام در اغلب مراتع از گاو و گوسفند به بزتبدیل شده است. این در حالی است که در قوانین مربوط به چرای دام، هربُز برابر با چهار واحد چرای دام دیگر است؛ یعنی این حیوان چهار برابر یک گوسفند مرتع را تخریب می‌کند و همین موضوع هم سبب شده تا مراتع ما آسیب جدی ببینند.»

کوچ زودهنگام عشایر نیز به باور او سبب از بین رفتن خاک در کشور شده است: «درگذشته عشایر مسیرها را پیاده طی می‌کردند و تقریبا دو ماه در مسیر بودند تا به مقصد برسند. در مسیر نیز از مراتع میان بند استفاده می‌کردند و زمانی که به ییلاق می‌رسیدند، دیگر علوفه‌ای که نیاز داشتند، از مرز گل دهی گذشته بودند و به دانه دهی می‌رسیدند. بنابراین، زمانی احشام از علوفه استفاده می‌کردند که به باردهی رسیده بودند و چرای احشام با جابجایی دانه‌ها باعث افزایش پوشش گیاهی می‌شد. اما امروز به اکوچ زودهنگام و حذف مراتع میان بند به‌واسطه جاده‌سازی‌ها و سدسازی‌ها، عملا فرصتی به گیاه برای طی فرآیند رشد داده نمی‌شود. این خود باعث فقر مرتع شده و زمینه فرسایش خاک را ایجاد کرده است.»

موضوع دیگری که این محقق به آن اشاره می‌کند، بهره‌برداری‌های ناپایدار از جنگل‌های کشور است: «به‌طور نمونه، در زاگرس بهره‌برداری از درختان به شکل زغال‌گیری، کنیر یا اگرفتن صمغ و شیره از درختان انجام می‌شود که به‌شدت پوشش گیاهی جنگل را تحت تأثیر قرار داده است.»

در هنگام وقوع سیلاب‌ها معمولا برخی از کارشناسان نوک پیکان انتقاد خود را به سمت سدسازی‌ها نشانه می‌گیرند و این سازه‌های عظیم را از دلایل افزایش تبعات سیل می‌دانند. این کارشناس محیط زیست معتقد است: «سدسازی‌های مهارگسیخته‌ای که در سال‌های گذشته اتفاق افتاده، از دیگر عوامل نابودی خاک و دلایل سیلاب است. سدسازی در کشور ما و به‌ویژه در مناطقی که ضریب فرسایش خاک بالا بوده، از سویی تعادل اکوسیستم منطقه را به هم زده و از سویی دیگر زمینه انتقال رسوبات به اراضی پایین دست را کاهش داده و با اختلالی که در چرخه اکوسیستم ایجاد کرده، مشکلات بسیاری را به بار آورده است.»

و انتقال آب بین حوضه‌ای را هم در از بین رفتن خاک کشور مؤثر می‌داند: «انتقال آب بین حوضه‌ای نه‌تنها باعث خشک شدن آب چشمه‌ها و رودخانه‌ها می‌شود بلکه زمینه نابودی خاک را نیز رقم می‌زند. آبخیزداری غیراصولی و ساخت سدهای کارشناسی نشده باعث شده است تا ما تالاب‌های خود را از دست بدهیم و کانون‌های فرسایش بادی ایجاد شوند. بنابراین، از سویی در ارتفاعات شیب‌دار، مراتع را از بین برده‌ایم و از سوی دیگر با سدسازی‌های غیراصولی، باعث فرسایش خاک شده‌ایم.»

این محقق تجاوز به حریم رودخانه‌ها و تصرفاتی همچون ویلاسازی و گسترش زمین‌های کشاورزی را نیز سبب کاهش عرض بستر رودخانه‌ها و مؤثر در فرسایش خاک می‌داند: «این اتفاق هم سرعت و شدت آب و هم فرسایش شدید خاک و دیواره‌های رودخانه را افزایش می‌دهد. حال اینکه مدیران ما نتوانسته‌اند حریم و بستر رودخانه‌ها را حفاظت کنند.»

> **سالانه حدود ۲۴ میلیارد تن خاک در جهان فرسایش می‌یابد و در کشور ما این رقم حدود دو میلیارد تن در سال است. بنابراین، هشت درصد از فرسایش خاک در جهان از آن کشور ما است، درصورتی که یک درصد از وسعت جهان را داریم**
>
> **دخالت‌های بی‌مورد در عرصه منابع طبیعی و محیط زیست، تجاوز، تخریب و تبدیل اراضی، شخم‌زدن‌های بی‌حد، واگذاری غیرفنی، غیرکارشناسی و غیرعلمی تمامی عواملی هستند که خاک را در معرض نابودی قرار داده‌اند**
>
> **پژوهشگران می‌گویند فرسایش خاک می‌تواند به بزرگ‌ترین بحران محیط زیست تبدیل شود. فرسایش یعنی خاک آن‌قدر تخریب می‌شود که حاصلخیزی‌اش از بین می‌رود. گیاه که نروید، به میزان زمین‌های بیابانی اضافه می‌شود و ایرانی که بخش زیادی از مساحتش خشک است، با فضای ناملایم‌تری از تخریب محیط زیست روبه‌رو خواهد شد**

خسارت ۶۰۰ میلیون دلاری عرصه‌های بیابانی در سال

به روایت وحید جعفریان، مدیرکل دفتر امور بیابان سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور؛ در حال حاضر ۳۰ میلیون هکتار از عرصه‌های بیابانی کشور تحت تأثیر فرسایش خاک است، از این میزان ۱۴ میلیون هکتار به‌عنوان مناطق بحرانی خسارت زا به منابع زیست انسانی کشور خسارت وارد می‌کند، عرصه‌های بیابانی در سال حدود ۶۰۰ میلیون دلار به کشور در بخش‌های مختلف خسارت وارد می‌کند و این میزان خسارت براساس مطالعات سازمان منابع طبیعی و بخش‌های دانشگاهی و تحقیقاتی به دست آمده است.

در همین راستا؛ تورج فتحی، معاون دفتر آب و خاک سازمان حفاظت محیط زیست کشور در گفت‌وگو با خبرنگار ایمنا، با بیان اینکه خاک یکی از عناصر ارزشمند طبیعت است می‌گوید: باتوجه به اقلیم هر منطقه‌ای وقتی خاکی را نابود یا تخریب می‌کنیم، تولید لایه خاک به زمانی در مقیاس زمین‌شناسی نیاز دارد تا آن خاک دوباره احیا شود، در مناطق آب و هوای خشک و کشور ما که در کمربند خشکی قرارگرفته، به چند صد هزار تا چند میلیون سال زمان نیاز است تا یک سانتی متر یا چند سانتی متر خاک بدون هیچ‌گونه فعالیت انسانی در زمین زایش شود.

وی با اشاره به اینکه در ایران برخلاف مناطقی مانند حاره‌ای استوایی و دیگر مناطق گرمسیری که فعالیت فرآوری خاک به لحاظ طبیعی سرعت بیشتری دارد، می‌افزاید: اگر منابع خاکی را به واسطه استخراج، تولید ماده معدنی و باطله برداری فعالیت‌های معدن کاری نابود کنیم، زایش خاک با توجه به شرایط سرعت اندک تولید آن در کشور ما غیرقابل بازگشت است، زیرا در اثر معدنکاری، پروفیل خاک که لایه زنده‌ای از محیط زیست است و در هر سانتی متر مکعب آن بسته به نوع آب و هوا و اقلیم هر منطقه هزاران تا میلیون‌ها موجود زنده ذره بینی دارد، نابود خواهد شد.

پدیده غیرقابل برگشت تولید خاک

معاون دفتر آب و خاک سازمان حفاظت محیط زیست کشور اظهار می‌کند: در مباحث محاوره‌ای و عامیانه برای خاک ارزشی قائل نیستیم، درحالی که تمام فعالیت‌های انسانی از تولید محصولات کشاورزی و منابع غذایی از بستر خاک آغاز می‌شود، بنابراین به منظور حیات وزندگی باید در حفاظت از این لایه خاک اقدامات زیست محیطی اساسی انجام شود.

وی درباره نقش معادن در فرسایش و تخریب خاک، می‌گوید: هنگامی که براثر فعالیت‌های معدن کاری یا تأسیسات در محدوده معادن با اقدامات جاده‌سازی و راه‌سازی سبب تخریب و تغییر خاک می‌شویم منابع خاکی در این مناطق به‌طور صددرصد از بین نمی‌رود، بلکه دچار فرسایش شده و تخریب اتفاق می‌افتد.

در فعالیت‌های معدنی بخشی از خاک به‌طور کامل نابود و بخش دیگر دچار فرسایش خاکی و قسمتی هم گرفتار آلودگی می‌شود. فتحی در این باره اظهار می‌کند: با نابودی کامل خاک با پدیده غیرقابل برگشت تولید خاک روبه‌رو هستیم، اما در تخریب بخشی از منابع خاک براثر فرسایش‌ها که قابل احیا هستند، فرآیندها هزینه بروزمان براست، اما تخلیه فاضلاب‌ها و باطله کاری با پساب‌های سمی معادن، بخش تأثیرپذیری از خاک را در معرض آلودگی قرار می‌دهند.

وی پیرامون اینکه معدن کاری تا چه میزانی می‌تواند موجب رخ دادن پدیده ریزگرد شود، می‌افزاید: پدیده ریزگردها براثر میزان ذخایر مواد معدنی، روش‌های استخراج معدنکاری به‌ویژه در مناطق روباز و افزایش بالای مقیاس و عرصه‌های تحت تأثیر فعالیت‌های معدنی می‌تواند سبب تشکیل کانون‌های عظیم و نیز تخریب و آلودگی خاک شود.

معاون دفتر آب و خاک سازمان حفاظت محیط زیست کشور در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه اجرای طرح‌های آبخیزداری نقش مهمی در جلوگیری از سیلاب و فرسایش خاک دارد، خاطرنشان می‌کند: درمجموع اجرای طرح‌های آبخیزداری و آبخوان‌داری می‌تواند برای توسعه پوشش گیاهی، کنترل فرسایش خاک، ارتقای کیفیت محیط زیست منطقه‌ای و طبیعت مثبت و تأثیرگذار باشد.

بحران خاک موضوعی حائز اهمیت است که به‌نسبت بحران آب مغفول مانده در حالی که به اذعان عمده کارشناسان، برای کاهش بحران آب، ضرورتا باید از بحران خاک نیز عبور کرد.

فرسایش آبی و بادی خاک مهم‌ترین عامل تخریب خاک در ایران

آن‌طور که منصور سهرابی، متخصص بوم‌شناسی می‌گوید: «خاک‌های سالم آب بیشتری را در خود نگه می‌دارند و زمانی که بارندگی نامطمئن باشد آن را در دسترس گیاهان قرار می‌دهند و با جلوگیری از سیل، تأثیر بارندگی‌های اضافی را تنظیم می‌کنند. توانایی آن‌ها در جذب بارندگی شدید مانع از خروج مواد مغذی حیاتی از مزارع می‌شود.»

طبق اطلاعات و داده‌های موجود فرسایش آبی و بادی خاک مهم‌ترین عامل تخریب خاک در ایران است که پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و محیطی فراوان و گسترده‌ای را به دنبال دارد. فرسایش خاک به شکل‌های مختلف بادی و آبی در گستره ایران در همه کاربری‌ها وجود دارد. کم‌ترین مقدار متوسط فرسایش خاک برآورد شده در کشور، خیلی بیش‌تر از حد قابل تحمل خاک و توان خاک‌سازی است.

از طرف دیگر تغییر کاربری اراضی هم از مهم‌ترین و اضطراری‌ترین چالش‌های منابع خاک به‌ویژه اراضی حاصلخیز کشاورزی است که پیامدهای منفی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به همراه دارد.

به گفته منصور سهرابی هرگونه عدم حاصلخیزی خاک به طور مستقیم و غیرمستقیم بر امنیت غذایی تأثیرگذار خواهد بود. این درحالی است که بیشتر مناطق کشور از لحاظ اقلیمی در زمره خشک و نیمه خشک طبقه‌بندی می‌شوند که معمولا این مناطق دارای خاک حاصلخیزی نیستند. خاک‌های مناسب و حاصلخیز کشور کمتر از یک میلیون هکتار هستند که روش‌های کشاورزی مرسوم در این خاک‌ها حاصلخیزی آن‌ها را نیز تهدید می‌کند. بقیه خاک ایران که در آن کشاورزی صورت می‌گیرد از لحاظ حاصلخیزی متوسط تا نامناسب هستند که روزبه‌روز این خاک‌ها ضعیف‌تر شده و حاصلخیزی آن‌ها نیز تهدید می‌شود.

به نظر این بوم‌شناس، ایران باید به سمت کشاورزی پایدار گام نهد و در برخی مناطق هم ازروش‌های نوین کشاورزی از جمله گلخانه‌های مدرن و عمودی استفاده کند. ادامه روند فعلی ضمن آنکه منابع خاک را با مشکل اساسی مواجه می‌کند تهدیدی سترگ برای منابع آب هم هست. که نتیجه آن فرسایش بیش از پیش خاک، فرونشست زمین، بیابان زایی بیشتر، تولید کانون‌های ریزگرد و گردوغبار بیشتر است.

سهرابی با تأکید بر اینکه بایستی عملیات آبخیزداری به طور مؤثر انجام گردد، بیان می‌کند: «برای احیای مراتع و جنگل‌ها باید گامی جدی برداشت. می‌بایست بین تعداد دام و ظرفیت مراتع تعادل برقرار کرد. در حال حاضر تعداد دام در ایران بیش از سه برابر ظرفیت مراتع است. در زمین‌های شیب‌دار می‌بایست از شخم در جهت شیب خودداری کرد. برای مقابله با فرسایش بادی هم روش مناسب به منظور کاهش و کنترل میزان اثرات نامطلوب بادهای شدید استفاده زیاد شکن هاست. در مناطق دیم می‌توان از سیستم‌های کشت لی فارمینگ استفاده کرد که در آن گیاهان پوششی از خانواده بقولات در تناوب با غلات قرار می‌گیرد که هم از فرسایش خاک جلوگیری می‌کند و هم به افزایش ماده آلی خاک کمک می‌کند.»

مدیرکل تأمین اجتماعی کردستان:

۶۳ هزار نفر مستمری بگیر تحت پوشش تامین اجتماعی کردستان قرار دارند

سنندج- خبرنگار رسالت

مدیر کل تامین اجتماعی استان از افزایش تعداد خدمات غیرحضوری سازمان به ۵۷ سرویس خبر داد و گفت: یکی از اقدامات مثبت تامین اجتماعی در راستای ارتقاء سطح رضایتمندی جامعه تحت پوشش سازمان افزایش سرویس‌ها، خدمات این مجموعه از ۳۰ خدمت به ۵۷ سرویس، خدمات نوین تامین اجتماعی و اقدامات توسعه محور این سازمان در سال جاری است.

سید صلاح قریشی افزود: از دیگر تصمیمات و برنامه‌های سازنده سازمان تامین اجتماعی اجرای طرح بیمه فراگیر خانواده ایرانی است که براساس آن دانشجویان، زنان خانه دار و دختران فاقد پوشش بیمه ای می توانند در زمره بیمه شدگان سازمان قرار گیرند و از تسهیلات بیمه ای و درمانی تامین اجتماعی بهره مند شوند.

وی اظهار داشت: براساس طرح بیمه فراگیر خانواده ایرانی، هر ایرانی فاقد پوشش بیمه اجتماعی، می‌تواند با انعقاد قرارداد بیمه و آغاز بیمه پردازی، از خدمات و حمایت‌های متنوع بیمه‌ای تامین اجتماعی مانند بازنشستگی، ازکارافتادگی و پرداخت مستمری به بازماندگان واجد شرایط بهره‌مند شود.

قریشی تصریح کرد: ثبت نام و بیمه پردازی در این طرح، بسیار ساده و بدون نیاز به مراجعه حضوری به شعب این سازمان است و علاقمندان می توانند همه مراحل انعقاد قرارداد و پرداخت حق بیمه را به صورت غیرحضوری و از طریق سامانه خدمات غیرحضوری تامین اجتماعی به نشانی es.tamin.ir انجام دهند.

مدیرکل تامین اجتماعی کردستان گفت: قریب ۶۳ هزار نفر مستمری بگیر ۲۲۲ هزار بیمه شده اصلی در استان تحت پوشش تامین اجتماعی قرار دارند که ماهانه ۴۰۰ میلیارد تومان در قالب حقوق به مستمری بگیران و همچنین بیش از ۲۵ میلیارد تومان نیز در قالب ارائه تعهدات کوتاه مدت به بیمه شدگان در استان پرداخت می شود.

مدیرکل راهداری و حمل و نقل کردستان:

در سفر دوم رئیس جمهور، ۵۵۰ میلیارد تومان اعتبار برای راههای روستایی کردستان تصویب شد

سنندج- خبرنگار رسالت

مدیرکل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای کردستان در نشست با خبرنگاران رسانه‌ها در سنندج که بمناسبت هفته حمل و نقل برگزار شد از تصویب ۵۵۰ میلیارد تومان اعتبار برای راه‌های روستایی استان در سفر دوم ریاست جمهوری به کردستان خبر داد و گفت: در استان کردستان ۶ هزار و ۱۸۳ کیلومتر راه روستایی وجود دارد که تاکنون راه یک هزار و ۷۰ روستا به طول ۳۱ هزار و ۴۵۷ کیلومتر آسفالت شده است.

فرزاد حسنی با بیان اینکه در حال حاضر راه ۷۱۵ روستا کردستان نیز به طول ۲۷۲۶ کیلومتر آسفالت نشده است، افزود: در دور اول سفر ریاست جمهوری به کردستان نیز آسفالت ۳۷۵ کیلومتر راه روستایی تعهد شده بود که تاکنون ۶۰ درصد آن تحقق یافته است.

وی با اشاره به اینکه ظرف سه سال اخیر ۳۱۳ کیلومتر راه روستایی آسفالت شده است، اظهار داشت: شاخص بهره‌مندی روستاهای بالای ۲۰ خانوار استان از راه آسفالته براساس تعداد روستاها ۷۵ درصد است و این شاخص در میانگین کشوری ۸۴ درصد است.

حسنی تصریح کرد: در استان کردستان به لحاظ آمار تصادفات جاده‌ای روند کاهشی داشته‌ایم و رتبه برتر در کاهش تصادفات جاده‌ای منجر به فوت در سطح کشور را داریم.

مدیرکل راهداری و حمل و نقل جاده‌ای کردستان با بیان اینکه در راستای هوشمندسازی نظارت بر جاده‌ها در سطح استان ۳۴ دوربین نظارتی و ۴۵ دوربین ثبت تخلف در سطح استان فعال و کارپایش راه‌ها را انجام می‌دهند، گفت: براساس برنامه‌ریزی صورت گرفته ۲۰ نقطه دیگر استان هم تا پایان سال به دوربین ثبت تخلفات مجهز می‌شود. فرزاد حسنی در پایان گفت: در زمینه ساخت راهدارخانه، ساخت پلیس راه و مساجد بین راهی ۳۰ قرارداد داریم و مشغول به فعالیت هستیم.

مسئول روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان کردستان:

در نوزدهمین سمپوزیوم بین المللی؛ روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان کردستان عنوان "برتر کشوری" را کسب کرد

سنندج- خبرنگار رسالت

روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان کردستان در جشنواره برترین‌های روابط عمومی ایران به جهت رعایت استانداردهای حرفه‌ای و مدیریت راهبردی روابط عمومی، عنوان "برتر کشوری" را کسب کرد.

مسئول روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان کردستان گفت: "بیستمین دوره جشنواره برترین‌های روابط عمومی ایران" و "نوزدهمین سمپوزیوم بین المللی روابط عمومی" با حضور جمعی از مدیران، اندیشمندان و صاحب نظران، اساتید دانشگاهی و کارشناسان حوزه روابط عمومی کشور، در مرکز همایش‌های بین المللی صدا و سیما برگزار شد. کوهسار رسولی تبار افزود: بر اساس آرای هیأت داوران بیستمین دوره جشنواره برترین‌های روابط عمومی ایران و نوزدهمین سمپوزیوم بین المللی، روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان کردستان به جهت "رعایت استانداردهای حرفه‌ای و مدیریت راهبردی روابط عمومی، خلاقیت در امور و داشتن کیفیت و کمیت مناسب در انجام ماموریت های سازمانی" در "بیستمین دوره جشنواره برترین‌های روابط عمومی ایران" و "نوزدهمین سمپوزیوم بین المللی روابط عمومی" موفق به کسب عنوان "برتر کشوری" شد. وی اظهار داشت: در این مراسم که با حضور دبیر کل انجمن بین المللی روابط عمومی و همچنین با حضور بیش از ۲۰۰ شرکت کننده از وزارتخانه‌ها، بانک‌ها و بامشارکت تعدادی از مدیران و متخصصین حوزه روابط عمومی برگزار شد، با اهدا "لوح سپاس و تندیس زرین" از روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان کردستان به عنوان برتر کشوری تقدیر شد.

رسولی تبار در پایان تصریح کرد: روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان کردستان در سال ۹۹ نیز در نتیجه ارزیابی عملکرد روابط عمومی‌های وزارت نیرو موفق به کسب عنوان دومی در بخش "جشنواره و نمایشگاه" و در سال ۱۴۰۰ موفق به کسب مقام اول در بخش فعالیت شایسته در "صحفات اجتماعی" و مقام سوم در "مدیریت و برنامه ریزی" و مقام شایسته تقدیر در بخش های "خلاقیت و نوآوری" گردید و سال گذشته نیز در سطح وزارت نیرو موفق به کسب دو مقام برتر در بخش‌های ۱- "ارتباطات تعاملی ۲- "ارتباط بامطبوعات" و ۳- کسب مقام شایسته تقدیر در بخش "پایگاه اطلاع رسانی درون و برون سازمانی" شده است.

**آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده شرکت زرینه طلایی قمصر کاشان (سهامی خاص) به شماره ثبتی ۵۵۱۴ ثبت